

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

۲۹ دسمبر ۲۰۰۸

نویسنده با احساس و حقگویی افغان، جناب کوهدامنی! تشکر از اینکه صدای ما را خالی نمانده و مقاله خود را این بار به شکل "ورد" فرستادید، تا در فورمه خود پورتال نشر گردد. ما هم چنانکه تعهد سپرده ایم، نوشته هایتان را به همان رسم الخط دلپسند شما یعنی "تهوما"، نشر خواهیم نمود. گرچه برای ما گران تمام میشود، ولی خواهش شما را پذیرفته و حتی اصلاحات معمول املائی را هم در مورد مقالات شما مرعی نخواهیم داشت. به هر صورت ورود شما را در حلقه نویسندگان خود خیر مقدم گفته و آرزومندیم که همکاری خود را همیشگی بدارید. باید بگوئیم، که خیر مقدم پورتال در دو نوشته اول تان بخاطر "پی دی اف" بودن مقالات، مقدر نبود. موفق باشید و همیشه جویا و گویای حقایق!

با تقدیم محبت

پورتال AA-AA

عبدالمتمین کوهدامنی

پشاور ، ۲۸ دسمبر ۲۰۰۸

اکادمیسین سیستانی دروغ میگوید

و

"افغان جرمن" شریک جرم او است

همو قسمی که در نوشته قبلی آوردم، تصمیم گرفته ام که در پهلوی حق ایستاده و با مشت آهنین بر فرق باطل بکوبم. این نوشته سوم اینجانب است که از مرکز یکی از شهرهای قدیم افغانستان که متأسفانه همین حالا در قلمرو بیگانه واقع است و به نام «پشاور» یاد میشود، از سال مینمایم. در دو نوشته سابقه خود به آقای سیستانی گوشزد نمودم که به این بی بند و باری و تا این اندازه بی اساس و بیشرمانه بر یکی از چهره های صدیق افغانستان، تاخت و تاز نکنند. جالب است که سایت افغان جرمن آنلاین در زیر قول سیستانی درآمده و در حقیقت همراهی دزد دهان جوال را میگیرد. گذاشتن فحشنامه آقای سیستانی در ستون «نظر خواهی» سایت «افغان جرمن»، نمونه همین تبابی سیستانی و افغان جرمن را نشان میدهد. این

کار زشت و اقدام تنگاتنگ این سایت، این نکته را نیز برملا میسازد که افغان جرمن طرف یک چهره تاریک و تاریخ زده افغانستان را گرفته و خود را عملاً شریک جرم یکی از چهره های ظاهراً مرموز، ولی در حقیقت جانی و خیانت پیشه، ساخته و خود را بدنام تاریخ و روی سیاه دنیا و آخرت میسازد.

اکنون باید پرسید که دروغ اکادمیسین سیستانی چیست و چرا او دست بدین دروغ شاخدار و توطئه آشکارا زده است؟ تا جایی که برای اینجانب واضح شده و تا جایی که نوشته ها در پورتال «افغانستان آزاد» اجازه میدهند، میتوانم با قاطعیت بگویم که آنچه را آقای سیستانی ادعا میکند دروغ محض و یک بهتان بیشرمانه است. وقتیکه می بینیم که سایت افغان جرمن بهتان نامه و فحشنامه سیستانی را برجسته ساخته و به بهانه گرفتن نظریات در ستون نظرخواهی گذاشته و در واقعیت امر برای مدت بسیار دوامدار در جبین صفحه اصلی خود میگذارد، تا موضوع این دروغ در اذهان غافل ته نشین گردد، این را باید یک توطئه هویدا تلقی کرده و بگویم که سایت افغان جرمن در این توطئه دست دراز دارد. و اگر ادعا کنیم که سایت افغان جرمن، اصل محرک همین توطئه است و سیستانی فقط یک آله دست بی اختیار میباشد، عین واقعیت را بیان کرده ایم. این یک واقعیت است که سیستانی به حیث موم در دست گردانندگان پیدا و ناپدای افغان جرمن قرار گرفته و هر لحظه همان شکلی را میگیرد که این سایت مفتن و زبون اراده میکند.

من در مقاله اول خود در مورد دانش آقای سیستانی و دانش تاریخی او نوشتم که ایشان از معلومات داده شده تاریخی استنتاج درست کرده نمیتوانند. ایشان تاریخ را مطالعه کرده و رویدادهای معینی را از تاریخ افغانستان در حافظه دارند، اما وقتی پای پیوند دادن این وقایع و استفاده از آن به نفع شرایط امروز به میان بیاید، می بینیم که سیستانی از این کار بکلی عاجز میماند. این مسئله را اکنون در مقاله اش در سایت افغان جرمن، زیر عنوان "داود خان را چی باید نامید؟" به چشم سر میبینیم. سیستانی طی این مدیحه و ستایشنامه، به تشریح کارنامه مثبت مرحوم داود خان برخاسته، تو گوئی این مقاله را برای خوشی دل انجنیر کریم عطائی نوشته، که میگویند، پرورده دست داود خان مرحوم بود و افسوس که جناب عطایی در آخرین لحظات حیات داود خان، به ولی نعمت خود خیانت کرد.

سیستانی در حالی که جنبه های مثبت کارکردهای داود خان را میشمارد، بر جرم عظیمش که زمینه تباهی و بربادی کشور محبوب ما افغانستان را آماده ساخت، و این خطی نیست که از چشم تاریخ و از دیده یک مؤرخ راستگو و واقع بین پوشیده ماند، خاموشی محض اختیار میکند. اشتباهی را که داود خان مرتکب گردید، بالاترین ضریب را دارد و در رسته خیانت ملی به حساب می آید. زیرا اگر داود خان کودتا نمیکرد و نظام سلطنتی را سقوط نمیداد، داره خلق - پرچم و هیچ تشکل سیاسی دیگر نه جرئت و نه قدرت برانداختن نظام سلطنتی را نداشتند. داود خان که خود اشخاص خاص خلقی و پرچمی را بالا کشید و در لایه های دولتی جای داد، در واقعیت امر خود گور خود را هم کند. او در واقعیت امر خود زمینه کشته شدن خود را فراهم کرد و به چنین فردی نمیتوان لقب «شهید» را داد. داود خان قهرمان هم نیست و اگر هم باشد، "قهرمان بریادی افغانستان" است!

شاید آقای سیستانی تاریخخوان باشد ولی متأسفانه "بصیرت تاریخی" و بصیرت تاریخنویس و مؤرخ را ندارد. وقتی در یک صفحه زنده تاریخ وطن ما قضاوت سیستانی تا این حد یکجانبه و دور از واقعیت های مشهود باشد، دیگر گمان نمیکنم، که نوشته های دیگر سیستانی از تاریخ هم از عمق عالمانه و تحلیلگرانه تاریخ برخوردار باشد. از همین خاطر هم درست نیست که سیستانی را مؤرخ و تاریخدان بنامیم. همین قسمی که سیستانی امروز بخاطر دلخوشی اشخاص معین داره افغان جرمن، خصوصاً همان یک داود پرست مشهور، تاریخ را تحریف میکند و از گفتن حقایق تاریخی سر باز میزند، معلوم است که این کار را در هر زمان دیگر کرده میتواند. به چنین فرد یکجانبه نگر نمیتوان لقب «مؤرخ» و «تاریخدان» را داد. اگر به سیستانی لقب مؤرخ را قایل گردیم، در حقیقت به مؤرخان بزرگ خود از قبیل استاد کهزاد، استاد غبار، استاد حبیبی، توهین روا داشته ایم. کسی که به

نرخ روز تاریخ بنویسد، مؤرخ نیست، بلکه یک "سادو" و "مداح" و یک انسان پله بین و خود فروش و ابن الوقت است. شنیده ام که سیستانی یک زمانی در وصف احمد شاه مسعود خاین هم بسیار داد سخن داده بود و نیز در مورد وطنفروش مشهور ببرک کارمل یا شاه شجاع روسی، مداحی های فراوان کرده بود.

چه خوب شد و خدا را شکر که در یک فرصت خیلی اندک هم در باره گذشته سیاه و تاریک سیستانی اطلاع حاصل کردم و هم به این نکته پی بردم که او اصلاً مؤرخ و تاریخدان نیست، بلکه تاجر تاریخ است و تاریخ را نثار قدم این و آن میکند. آقای سیستانی شما را بخدا دیگر نه از تاریخ گپ بزنید و نه از جامعه و سیاست. بروید همان ودکای روسی تان را زده راهی باشید و نام تاریخ را بد نکنید. یک پند آخری هم به شما میدهم و آن اینکه:

دیگر در دفاع از شیردخت افغان ملالی جويا چیزی ننویسید، چون نوشته های عامیانه، بازاری و بی محتوای شما ضربه هایی خواهند بود که بر حریم شخصیت خانم جويا اصابت میکنند و یک چهره معصوم و پاک افغان را لکه دار میسازد. تعریف و توصیف شما از دختر باشهامت افغان ملالی جويا در حقیقت توهین و تحقیر و استهزا به این فرزند اصیل و برازنده وطن ما است.

آقای سیستانی؛

من این نوشته را در همینجا به پایان میبرم و منتظرم که بدون اتلاف وقت و هرچه زودتر بروید و دستان مبارک، رنجدیده و رزمنده موسوی صاحب را ببوسید و در کمال خضوع ازش پوزش بخواهید، و پوزشنامه تان را در تمام سایتهای افغانی رسماً به نشر بسپارید، در غیر آن آنقدر شما را خواهم کوفت که به مرگ راضی شوید. انتخاب بدست شما است. در مقالات آینده خود به حساب جنایتکاران سایت افغان جرمن خواهم رسید و پرده ایشان را پاره پاره خواهم نمود.